

جنبه های فردی و اجتماعی حجاب

<"xml encoding="UTF-8?">

حجاب به معنای پوشاندن بدن، امری فطری است که برای حیات فردی و اجتماعی انسان، ضرورت دارد و عبارت است از: مانع و پوشش؛ به طوری که زیر یا آن طرف آن معلوم نباشد و انجام و حدود آن، علاوه براین که واجب شرعی از طرف آموزه های دینی (قرآن و سنت) است، دارای مزیت و خاصیت های مهم هم برای انجام دهنده آن و هم برای نظام اجتماعی است و آرامش و امنیت را برای فرد و جامعه، به ارمغان می آورد و موجب امنیت کامل در خانواده و محیط کاری می باشد.

در جامعه دینی که باورهای دینی در مبانی و اهداف آن نقش مهمی دارند و پایه های نظام حاکم بر آن را می سازند، دولت، مسئول پاسداری از باورها و ایجاد شرایط مطلوب برای بالندگی و گسترش آنهاست. این مسئولیت می طلبد که دولت رفتارها و هنجارهایی را که به این باورها آسیب می رساند، محدود و مهار سازد و از عمومیت یافتن آنها جلوگیری کند و در مقابل از هرگونه هنجار و حرکتی که به نهادینه شدن این باورها می انجامد، حمایت نماید.

حجاب و عفاف در دین اسلام از باورهای انکارناپذیر و مورد قبول مذاهب اسلامی است و نقش بسزایی در تحکیم ارزش هایی چون حیا و عفت دارد و بایسته کرامت و حرمت زن مسلمان است و ساز و کار آن چه در سطح فرد باشد و چه در سطح جامعه، گسترش و نهادینه شدن آن باید از سوی دولت فراهم شود. رعایت حجاب، آثار و نتایج فردی، خانوادگی و اجتماعی مهمی دارد که هم در مجموعه فرهنگ و اندیشه دینی قابل پیش بینی است و هم تجربه اجتماعی بشر و نیز دریافت های عقل، آن آثار را تأیید می کند.

معنا شناسی واژه حجاب

واژه حجاب از «حجب» به معنای پرده، پوشش، ساتر، منع، ممانعت از دسترسی و حائل بین دو چیز و... آمده است و

مفهوم اصطلاحی حجاب، عبارت است از: پوشش و مانعی چون پرده و غیره که به واسطه آن، پشت پرده دیده نشود. کلمه حجاب را از آن جهت پوشش می گویند و مفهوم پوشش را می رساند که در پشت آن چیزی معلوم نیست و حاجب، کسی است که بین افرادی که داخل مکانی نشسته اند، با افرادی که بیرون هستند، حائل و واسطه است.

فلسفه و سیمای حقیقی حجاب

شهید مطهری در مورد سیمای حقیقی حجاب می نویسد: «مسئله حجاب و پوشش در عصر اخیر، این نیست که زن خود را بپوشاند و بعد در اجتماع حاضر شود؛ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن، باید رایگان باشد یا نه؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر جا که خواست، حداکثر تمتعات را ببرد یا

اسلام به روح مسئله می نگرد و جواب می دهد خیر؛ مردان فقط در محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج، آن هم با سپردن یک سلسله تعهدات سنگین از زن، آن هم به عنوان همسر شرعی و قانونی خود و در محیط خانه؛ اما در محیط اجتماع، استفاده از زنان بیگانه، ممنوع است و زنان نیز از این که مردان را در جایی خارج از کانون خانواده کام یاب سازند، به هر شکل و صورتی ممنوع است.

از این که از نظر اسلام مسئله کام جویی باید در محیط خانه باشد، دارای اهمیت و ویژگی های است؛ از جنبه روانی، به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند؛ از جنبه خانوادگی، سبب تحکیم روابط خانوادگی و برقراری محبت کامل زوجین می شود؛ از جنبه اجتماعی، موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماعی می گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش او بالا رود و شخصیت زن به جای این که مسئله ابتذال زن پیش بیاید، مسئله شخصیت زن و جایگاه او مطرح می گردد.

در واقع، اسلام می خواهد محیط خانه برای زن و مرد، محیط التذاذ، محبت و غیره باشد و محیط بیرون از خانه برای هردو، محیط کار، فعالیت و غیره باشد. اسلام می خواهد با این شیوه، دو محیط خانه، کار و اجتماع را از هم تفکیک کند؛ برخلاف دیگر مکتب ها که محیط کار ولذت جنسی را در اجتماع در هم آمیخته اند.

جنبه های فردی حجاب

حجاب از آن جهت که شروع و انجام آن از طرف شخص است و آن را رعایت می کند و می تواند در آن تقصیر داشته باشد و یا مزایایی برای او در پی دارد، دارای جنبه های فردی است. بر اساس این جنبه ها از حجاب، عده ای حکم حجاب را فردی دانسته اند. برای اثبات ادعای این گروه، می توان به امور زیر استدلال کرد:

1. حجاب برای تامین مصلحت و امنیت رعایت کننده آن وضع شده است؛ زیرا او در برابر نگاه ها و هجوم های دیگران، خود را محافظت کرده است.

2. حجاب برای رعایت احترام شخص رعایت کننده آن وضع شده است که این تحلیل، از روایات به دست می آید و منع و جلوگیری کنیزان از پوشاندن سر خود، در همین راستا قابل تحلیل است. در واقع، احترام و حیثیت از آن مسلمان است و این احترام، مخصوص شخص مسلمان است. احترام، امری شخصی است؛ پس حجاب هم شخصی است.

3. زن باید حجاب را در نماز رعایت کند؛ حتی اگر کسی او را نبیند. از این مسئله در می یابیم که حجاب مانند نماز از احکام فردی است.

4. حجاب امری کاملاً فردی است؛ زیرا در روایاتی آمده است که گناه کوتاهی در رعایت حجاب زن، بر عهده شوهر است. در حدیثی آمده است: «زنی که خود را آرایش و خوشبو و معطر کند و برای دیگران از خانه خارج شود و شوهرش به این کار راضی باشد، خداوند برای هر قدمی که آن زن بر می دارد، یک خانه برای شوهرش در جهنم بنا می کند».

جنبه های اجتماعی حجاب

نمود حجاب به عنوان یک نشانه دینی، تامین مصلحت جمعی، بهزیستی نظری و روانی عمومی، کنترل زمینه های انحراف جنسی و بصری و تأمین بهداشت روانی، از جنبه های اجتماعی حجاب محسوب می شوند. عده ای با در نظر گرفتن این جنبه ها، به اجتماعی بودن حجاب معتقدند. در تقریر ادعای این گروه می توان به موارد زیر استدلال کرد:

1. حجاب برای دیگران خالی از فایده نیست؛ زیرا اگر پوشش رعایت شود، نگاه های تحریک آمیز به وجود نمی آید و زمینه های تحریک جنسی کنترل می شود و این در تامین سلامت اخلاقی و روانی جامعه، نقش دارد. بنابراین، می توان گفت که حجاب از امور اجتماعی است.
2. خداوند میان حجاب زن آزاد و غیر آزاد، فرق گذاشته است و نیز حرمت نگاه به زنان کافر، بدون قصد لذت، به دلیل عدم احترام آنان، برداشته شده است. این موارد نشان می دهد که حرمت نگاه، با احترام زن مرتبط است.
3. حجاب در مواجهه با نامحرم و در محیط بیرون از خانه، مورد توجه و ارزش است. در فقه اسلامی، رعایت حجاب در خانه و برای همسر و محارم خود، معنی و مفهومی ندارد و این یکی از بزرگ ترین نشانه های اجتماعی بودن حجاب است.
4. ممنوع شدن حجاب در غرب؛ کشورهای غربی با این که دارای نظام لیبرال هستند، ولی حجاب را در مدارس، دانشگاه ها و محافل عمومی، ممنوع کرده اند؛ زیرا حجاب، یک شعار و نماد اجتماعی است.

تحلیل و بررسی جنبه های فردی و اجتماعی

حجاب از شعور، آگاهی و شناخت فرد آغاز می شود و هرچه مقدار شناخت و آگاهی فرد و زمینه انتخاب او از حجاب بیشتر باشد، در حقیقت می توان حجاب او را آگاهانه، با اختیار و ریشه ای دانست. فردی که حجاب خود را با اختیار و آگاهانه انتخاب کرده، هنگام معاشرت با افراد بدحجاب و بی قید و بند، به راحتی حجاب خود را کنار نمی زند؛ اما اگر انتخاب عمیق و آگاهانه نباشد، با قرار گرفتن در فضای بدحجابی، به راحتی در حجاب خود اعمال نظر می کند و پوشش بد حجابان را بر می گزیند. همراهی حجاب و نماز به این دلیل است که به حجاب جنبه تقدس بخشیده شده است؛ همان طور که طهارت جنبه تقدس و پاکی دارد. حجاب در نماز نیز مانند طهارت از امور قربی نیست؛ بلکه از شرایط صحت نماز است. همراهی حجاب با نماز می رساند که نماز گرچه عبادتی است که فرد به وسیله آن در خلوت با خدای خود ارتباط برقرار می کند، ولی فلسفه آن جلوگیری از مفاسد اجتماعی است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». از بررسی جنبه های اجتماعی حجاب این تحلیل به دست می آید که هرچند حجاب، مصلحت فرد باحجاب را تأمین می کند و همراه با اختیار و آگاهی فرد انجام می شود، ولی برای دیگران، خالی از مصلحت نیست. زنی که حجاب را رعایت می کند، با حفظ آن، زمینه های تحریک جنسی در جامعه را کنترل می کند و از لغزش افراد جلوگیری می کند.

رعایت حجاب در سالم سازی فضای دینی و اخلاقی جامعه و تعادل روانی آن، نقش بسزایی دارد و در مقابل، رعایت نکردن حجاب به فراخوار هر یک از مراتب بی حجابی، سلامت فرد و جامعه را تهدید می کند.

مبارزه با حجاب از سوی کشورهای غربی، یکی از شیوه های فکری- فرهنگی استعمار است که آن را در کشورهای اسلامی در سالیان دورتر دنبال می کردند. استعمار در حمله به کشورهای اسلامی، به دو شیوه عمل می کند؛ یکی جریان سیاسی- نظامی که حمله و اشغال نظامی است و دیگری جریان فکری- فرهنگی که ابتدا اذهان و افکار را

آماده می کند و بعد از طریق براندازی، وارد میدان می شود که در این جا بدون این که جنگی صورت گیرد، اذهان خود به خود فریفته و باخته فرهنگ و رسوم تبلیغ شده می شوند.

فرانتس فانون، زنان بی حجاب را شریک جرم اشغال گران استعمار می داند و می گوید: هنوز رویای رام کردن جامعه الجزایر به کمک زنان بی حجاب که شریک جرم اشغال گراند؛ از ذهنم بیرون نرفته است. هر زن الجزایری که کشف حجاب می کند، هر چادری که می افتد و هر چهره ای که به صورت ناآرام اشغال گر عرضه می شود، ترجمان این معناست که الجزایر، هتک حرمت و کشف حجاب را از استعمار پذیرفته است.

حجاب به عنوان سمبل و نماد عفت و حیای زن مطرح است و غرب با منع حجاب به عنوان نمادی اجتماعی که قابل مشاهده در سطح عمومی است، این پیام را القا می کند که اگر حجاب فراگیر شود، موجی اجتماعی ایجاد می شود و حجاب و حفظ آن، پیام های متعددی در پی دارد که در سطح اجتماعی، قابل ارزش و ملاحظه است. تلاش در تقسیم بندی احکام به فردی و اجتماعی بر اساس کنش های انسانی، به این دلیل است که الزام حکومت در احکام فردی، راه ندارد و این تقسیم بندی در مقام پاسخ به دیدگاه موافقان با الزام حکومتی حجاب است؛ زیرا به گمان آنان، حجاب جزء احکام فردی است و حکومت دینی نمی تواند در احکام فردی دخالت کند.